



حکومت ساسانیان

## مهتا (موتا) سردار دیلمیان و مبارزه با اعراب

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی  
انتشار: ۵ دی ۱۳۹۴ ۵ دقیقه مطالعه



### چکیده مقاله

پس از ظهور اسلام که اعراب به ایران حمله کردند، با شکست سنگین یزدگرد سلسله ی ساسانیان سقوط کرد و با گسترش روز افزون دین اسلام در خاک ایران، اعراب نفوذی صد چندان به ایران پیدا کردند و سرتاسر سرزمین ایران به دست اعراب افتاد. اما یکی از مناطقی که سرسختانه در مقابل هجوم اعراب ایستادگی نمود، شمال ایران و به ویژه سرزمین گیلان بود. در رشته کوه های جنوبی دریای کاسپی مردمانی که آنها را کاسها، کادوس ها و آمارد ها (ساکنان گیلان و غرب مازندران امروزی) و تپوریان (ساکنین مازندران شرقی و مرکزی امروزی) تشکیل م

## پارسیان دژ / حکومت ساسانیان

پس از ظهور اسلام که اعراب به ایران حمله کردند، با شکست سنگین یزدگرد سلسله ی ساسانیان سقوط کرد و با گسترش روز افزون دین اسلام در خاک ایران، اعراب نفوذی صد چندان به ایران پیدا کردند و سرتاسر سرزمین ایران به دست اعراب افتاد. اما یکی از مناطقی که سرسختانه در مقابل هجوم اعراب ایستادگی نمود، شمال ایران و به ویژه سرزمین گیلان بود. در رشته کوه های جنوبی دریای کاسپی مردمانی که آنها را کاسها، کادوس ها و آمارد ها (ساکنان گیلان و غرب مازندران امروزی) و تپوریان (ساکنین مازندران شرقی و مرکزی امروزی) تشکیل می دادند برای دفاع از وطن و استقلال خود اعراب (نه تنها اعراب بلکه تمام مهاجمان تاریخ این سرزمین) را به سرزمین خود راه ندادند و با تمام وجود و بمانند همه ی تاریخ گذشته خود استقلالشان را حفظ کردند. پس از چندی تپوریان با اعراب صلح نمودند ولی دیلمیان برخلاف تپوریان در دفاع از وطن و مقابله با اعراب بسختی ایستادگی نمودند و به دلیل پیش بینی برنامه های یورش اعراب، به زندگی آزاد در کوهستان خود اکتفا نکردند و در فرصتهای مناسب بر اعراب تاخته و تا پای جان سعی نمودند که آنها را از خاک ایران بیرون برانند.

نخستین جنگ دیلمیان با تازیان بنا به روایتی معروف در سال ۲۲ هجری توسط موتا سردار یا پادشاه دیلمی بود. مهتا یا موتا سردار بزرگ دیلم که از جانب گیل گیلانشاه (معروف به گاوباره که فرزند گیلانشاه بن فیروز از سلسله گاوبارگان یا گابریان که تختگاهش فومن بود) به مقام مرزبان پتسخوارگر منصوب شد که این در زمان پادشاهی یزدگرد سوم بود. مهتا پس از جنگ نهاوند که تازیان آنرا "فتح الفتوحش" خوانده اند، سخت متأثر شد و تصمیم گرفت تازیان را از کشور ایران براند. نیت خود را با فرماندهان کل سپاه ایران که فرخان زبیدی، سردار سپاه ری و اسفندیار فرخزاد (برادر رستم، سپهسالار معروف ایران بود که چندی پیش در جنگ قادسیه به دست تازیان کشته شده بود) سردار سپاه آذربایگان در میان گذاشت و آنان را به همکاری دعوت کرد. آنان نیز این دعوت را پذیرفتند. اما سپهسالاری همه این لشکر و فرماندهی جنگ به عهده موتا پیشوای دیلمیان بود. آنان با هم متحد شدند و فرماندهی مهتا - که مقام مرزبانی پتسخوارگر بود - را پذیرفتند و به تمرکز نیروها در حوالی دشتی (دستبی یا دشتپی) و تقسیم وظایف پرداختند و همگی آماده یورش به تازیان شدند.

در این هنگام حکمرانی همدان بر عهده نعیم بن مقرن بود و بنا داشت پس از تحکیم موقع خود به سوی ری بتازد و آنجا را تصرف کند. در این هنگام یزدگرد غرب ایران را رها کرده و واگذار کرده بود. نعیم بن مقرن که آمادگی و گرد آمدن این لشکرها را شنید، به سختی هراسناک شد و نامه ای به عمر خلیفه دومشان نوشت. وی با تمام قوایش از همدان گریخت و مهتا نخستین حمله را به قوای تازیان در دشت «دستبی (دشتبی)» انجام داد. در ناحیه «واجرود» و به روایتی در منطقه «داکان و جرندف» که بین قزوین و همدان واقع است جنگی سخت در گرفت که طبری در توصیف این جنگ در کتابش می گوید در سختی بزرگی، تلفات و جانکاهی کمتر از جنگ نهاوند نبود. افراد زیادی از دو قوا از دست رفتند که از جمله آنها مهتا فرمانده کل قوای سه گانه ایرانیان و امیر دیلمیان بود که بر سر ایمان خود و میهن پرستی به خاک افتاد تا خاک میهن را به مهاجمان ندهد. (البته به روایتی دیگر در ابتدا این جنگ را مهتا و یارانش به سود خویش به پایان بردند و تازیان را در محاصره قرار دادند. ولی نعیم بن مقرن با رشوه دادن و خریدن یک قوم کوچک نیروهای خود را در یکی از شبها به پشت نیروهای ایرانی رساند و با باز کردن آب سد در سرمای اوایل زمستان موجب کشته شدن مهتا شد).

کشته شدن مهتا باعث شد که سپاه ایران تاب ایستادگی نیاورده ، به سرعت پراکنده شوند و هر دسته راه ولایت خود پیش گرفت. لشکریان فرخان زبندی به سوی ری و لشکریان اسفندیار فرخزاد به جانب آذربایجان راه پیش گرفتند. جنگجویان دیلم نیز عقب نشینی کرده و در ناحیه «ابهرود» به تجدید قوا پرداختند و به خاطر میهن و به یاد مهتا دوباره آماده پیکار شدند و به جنگ پرداختند و البته این نبرد نیز چاره ای در پی نداشت و به پیروزی اعراب منتهی شد. اما دیلمیان به فرمان پادشاه گیل گیلانشاه به جنگهای دفاعی و یورشهای ادامه دادند. گرچه این جنگ به شکست منتهی شد و سردار دیلمی به خون غلتید، ولی نام دیالمه و رشادتها و دلیری های آنان را برای همیشه در تاریخ ایران پر آوازه و ماندگار ساخت.

به نظر میرسد نام حقیقی سردار آن روزگار گیلان « مهتا » بوده که عرب آن را « موتا » دانسته و در اشعار و روایات یا تاریخ به همان صورت موتا ثبت شده است.

به هر حال سردار مهتا یا موتا کسی بود که در راه دفاع از وطنش درخواست اما آن گونه که باید نامش را ارج ننهاده. نام و یاد مهتا و مهتاهایی که به خاطر میهن به خاک افتادند گرامی و پاینده باد.

در پایان شعری از فخرالدین اسعد گرگانی که در آن به شرح شکوه دیلمستان و دلیری و شجاعت مردمان آن پرداخته و می گوید:

ز قزوین در زمین دیلمان شد ----- درفش نام او بر آسمان شد

زمین دیلمان جایی است محکم----- بدو در لشگری از گیل و دیلم

بتازی شب از ایشان ناوک انداز ----- زنند از دور مردم را به آواز

منابع: کتاب "مسالک و ممالک ابن خردادبه" کتاب "تدوین رافعی" کتاب "گزیده ای از تاریخ بلوک دشتابی"تالیف فرهادسماواتی کتاب "تاریخ خانی" نویسنده: علی بن شمس الدین بن حاجی حسین لاهیجی  
گردآوری: افشین پرتو



#### ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «مهتا (موتا) سردار دیلمیان و مبارزه با اعراب»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1742/pdf/مهتا-موتا-سردار-دیلمیان-و-مبارزه-با-اع>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵